

چهار چیزی که مانع خسران انسان می شود

۲۲ تیر ۱۳۹۳ ساعت ۱۸:۲۳

انسان دائماً در خسران است چون عمرش را که تنها سرمایه اش است، هر لحظه از کف می دهد. اما انسانی که با چهار ویژگی شناخته می شود خسران ندارد.

بخش ای از بیانات امام موسی صدر در تفسیر سوره «والعصر»

غایت اصلی از سوگند به موجودات هستی جلب نظر انسان به قداست این اشیاست و مقصود از قداست تربیت دینی توحیدی است، تا ما آدمیان بدانیم که در مسیر توحید تنها نیستیم، بلکه ما همراه کاروان هستی راه خود می پیماییم و در همایش جهانی که همه موجودات در آن شرکت دارند، در محراب خدا به سر می بریم.

به سخن دیگر، تنها من و مؤمنان نیستیم که خدا را سجده می کنیم و برایش نماز می گزاریم، بلکه آسمان و زمین و درختان و کوه ها و رعد و امواج دریا و برگ درختان و هر چیزی در این هستی به صورتی این کار را انجام می دهد.

همه هستی محراب خداوند است و انسان جزئی از این مجموعه است. از این پس به دیده حقارت به موجودات هستی نگاه نکن و گمان مبر که این امور عقل ندارند و جامدند، آنها حرکت می کنند ولی تو متوجه آن نیستی. بله، اشیا جامدند، اما حرکت آنها سجده به خداست.

«وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» انسان در خسران است. علت کاملاً روشن است. زیرا با پایان هر روز یک روز از زندگی آدمی کاسته می شود. با سپری شدن هر روزی، صفحه ای از حیات آدمی ورق می خورد. پس انسان دائماً در خسران است. به سخن دیگر، آدمی عمرش را که تنها سرمایه اش است، هر لحظه از کف می دهد. هر لحظه و هر روز و هر ماه و هر هفته و هر سال چیزی از دست می دهد. این حرف دلیل و برهان دیگری نمی خواهد. اما طبعاً مؤمنان چنین نیستند.

«إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ.» انسانی که با چهار ویژگی شناخته می شود خسران ندارد. این ویژگی ها عبارتند از: ایمان و عمل صالح و سفارش به حق و سفارش به صبر. تواصی به حق یعنی توصیه متقابل هر کس دیگری را به حق سفارش کند.

تواصی به صبر هم یعنی هر کس دیگری را به صبر سفارش کند. اما چرا هر کس این ویژگی ها را داشته باشد، در خسران نیست؟

این مسئله را به اختصار توضیح می‌دهم. روشن است کسی که به خدا ایمان دارد و عمل صالح انجام می‌دهد، روزی از عمرش سپری می‌شود. این حرف کاملاً درست است. اما این روز را در راه چیزی گران‌قدرتر صرف کرده است. انسانی که در خسران است و انسانی که هر لحظه از عمرش می‌کاهد، اگر این لحظه‌اش را در راه خیر و عمل صالح صرف کند، خسران ندیده است. بنابراین، ساعتی از عمر را می‌دهد، اما در عوض جاودانگی را می‌گیرد.

«وَتَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَاصُوا بِالصَّبْرِ» گفتیم که آدمی جزئی از مجموعه آدمیان است و اگر با مجموعه هماهنگ باشد و یکدیگر را نصیحت و سفارش کنند، قدرتمند می‌شود و می‌ماند. اما اگر آدمی در میدان تنها بماند، بیم آن وجود دارد که از میان برود. از همین روست که مصلحان می‌کوشند جامعه را اصلاح کنند و اگر در این راه ناکام ماندند، جامعه‌ای کوچک یا دوستانی چند یا حزبی یا گروهی یا جمعیتی یا انجمنی تشکیل می‌دهند، تا در آن زندگی کنند و یکدیگر را نصیحت کنند.

در غیر این صورت، آدمی از بین می‌رود و در خسران خواهد بود. در اینجا باز هم به معنای سوم «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» می‌رسیم. اگر آدمی تنها باشد، این تنهایی خطری بزرگ و عمیق برای او خواهد بود. اندک‌اند کسانی که می‌توانند از خطر تنهایی و فردگرایی بگریزند، زیرا آدمی وقتی تک و تنها باشد، از بین خواهد رفت. انسان تنهایی که از او اطاعت می‌شود، در معرض خطر غرور قرار دارد.

از همین رو، حاکمی که مشورت نمی‌کند، پند دیگران را نمی‌پذیرد و به حرف دیگران گوش نمی‌دهد، منحرف و مغرور می‌شود. پس سفارش به حق اولاً مانع از بین رفتن است، ثانیاً مانع غرور است و چنان‌که گفتیم غرور انحراف است، زیرا انسان مغرور، احساس بی‌نیازی از دیگران می‌کند و از دیگران پند و کمکی نمی‌گیرد و میان خود و دیگران دیواری می‌کشد.

انسان مغرور همچون خاک ساختمان ساخته شده، سودی ندارد. انسان مغرور فاسد است و منحرف می‌شود. پس به یکدیگر سفارش کردن به معنای همکاری و زندگی در یک مجموعه است و این عمل یکی از واجبات مؤمن است.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۲۷۵۴۰/شود-می-انسان-خسران-مانع-چیزی-چهار/>